

تعاملات نظامی رژیم صهیونیستی با روسیه، هند و چین



محسن شریعتی نیا*
طاهره میرعمادی**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

m.shariatinia@gmail.com

* استادیار دانشگاه شهید بهشتی

** دانشیار سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران و رئیس مرکز پژوهش‌های سیاست‌گذاری و دیپلماسی علم و فناوری

تاریخ تصویب: ۹۴/۶/۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۲۱

فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۰۱-۱۳۴.

چکیده

گسترش تعاملات نظامی با قدرت های بزرگ، یکی از اهداف کلیدی سیاست امنیتی اسرائیل در سال های اخیر بوده است. هدف این مقاله بررسی روند تحول در تعاملات نظامی رژیم صهیونیستی با چین، هند و روسیه به عنوان مهم ترین قدرت های در حال ظهور در یک دهه اخیر است. پرسش کلیدی مقاله آن است که چه عواملی، تحولات در تعاملات نظامی اسرائیل با هند، چین و روسیه در دوره کنونی را شکل داده است و چه دلایلی باعث شده درجه موفقیت در مورد این سه کشور متفاوت باشد؟ فرضیه ای که در پاسخ به این پرسش طراحی شده عبارت از این است که سیاست خارجی اسرائیل علی رغم تنش های گاه و بیگاه بین این رژیم و ایالات متحده، بخصوص در بعد دیپلماسی نظامی اش، هنوز متأثر از اهرم های فشار امریکا به عنوان پایه گذار اولیه صنعت دفاعی این رژیم و شریک تحقیق و توسعه نظامی آن و بالاخره اهداکننده میلیاردها دلار کمک نظامی به این رژیم است. یافته های تحقیق نشان می دهد که اسرائیل در پیشبرد ابعاد مختلف دیپلماسی خود، هرچند دارای درجه ای از استقلال در تصمیم گیری است، اما در بعد دیپلماسی تسلیحاتی، به دلایلی که در مقاله تبیین می شود، عملاً نسبت به فشارهای ایالات متحده حساس بوده است. به همین دلیل در بین سه کشور هند و چین و روسیه، تعاملات نظامی با هند از بیشترین توفیق برخوردار بوده است، اما تعاملات نظامی این رژیم با چین، به دلیل مخالفت امریکا با نوعی بن بست روبرو شده است.

واژه های کلیدی: رژیم صهیونیستی، فناوری نظامی، هند، چین، روسیه،

امریکا

مقدمه

کنش‌های استراتژیک رژیم صهیونیستی، تأثیرات مهمی بر نظام موازنه قدرت در خاورمیانه دارد.^(۱) در حالیکه اسرائیل بطور سنتی یکی از دنباله‌های سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه محسوب می‌شد، در سال‌های اخیر رفتارهای ویژه‌ای از خود بروز داده که نشان از استقلال تصمیم‌گیری این رژیم از سیاست خارجی امریکا است. توسعه مناسبات با قدرت‌های در حال ظهور را می‌توان یکی از اینگونه تغییرات و از اولویت‌های کلیدی رفتار استراتژیک اسرائیل در دورانی دانست که به نوعی دوران پساژمونی خوانده می‌شود. اما کنش کشورها در سطح بین‌المللی در خلا صورت نمی‌گیرد و موفقیت برنامه‌های اقدام رژیم اسرائیل برای رشد و ارتقای ارتباطات با قدرت‌های نوظهور اقتصادی که دارای دکترین‌های امنیتی متفاوت هستند، منوط به این امر است که این ارتباطات تا چه حد با سیر تداومات و تحولات نظم بین‌المللی مسلط فعلی سازگار می‌باشند. در حالیکه اولویت نگاه به شرق (هند، چین و روسیه) در دو دهه اخیر به دقت از سوی رژیم صهیونیستی پیگیری شده است، در بررسی‌های این مقاله می‌بینیم که میزان موفقیت رژیم صهیونیستی در تحقق هدف‌دار کشورها متفاوت بوده است.

از همین رو پرسش کلیدی مقاله آن است که چه عواملی، تحولات در تعاملات نظامی اسرائیل با هند، چین و روسیه در دوران کنونی را شکل داده است و به چه دلایلی باعث شده درجه موفقیت در مورد این سه کشور متفاوت باشد؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش طراحی شده عبارت از این است که «سیاست خارجی اسرائیل علی‌رغم تنش‌های گاه و بیگاه بین این رژیم و ایالات متحده، بخصوص در بعد دیپلماسی نظامی‌اش هنوز متأثر از اهرم‌های فشار امریکا به عنوان پایه‌گذار اولیه

صنعت دفاعی این رژیم و شریک تحقیق و توسعه نظامی آن و بالاخره اهدا کننده میلیاردها دلار کمک نظامی به این رژیم است. این فرضیه تناقضی با این اصل ندارد که در سال‌های اخیر به دلایل مختلف داخلی و بین‌المللی که از حوصله این مقاله خارج است، میزان این تاثیر در رابطه بین اسرائیل و آمریکا به میزان زیادی کاهش پیدا کرده است و از این نظر دست اسرائیل برای طراحی راهبردهای توسعه‌ای با قدرت‌های نوظهور بیشتر باز شده است. با این حال، مطالعه حاضر نشان می‌دهد که امریکا در حوزه تعاملات تجاری محصولات دفاعی که به انتشار فن‌آوری‌های نظامی پیشرفته در اقصی نقاط کشورها می‌انجامد، سعی در محدود کردن رفتار رژیم صهیونیستی داشته و اسرائیل نیز، علی‌رغم تمایل خود، هنوز نسبت به فشار ایالات متحده کوتاه می‌آید و در نتیجه، پیشبرد دیپلماسی فن‌آوری تسلیحاتی در سه کشور هند، چین و روسیه، با درجه متفاوتی از موفقیت همراه می‌شود.

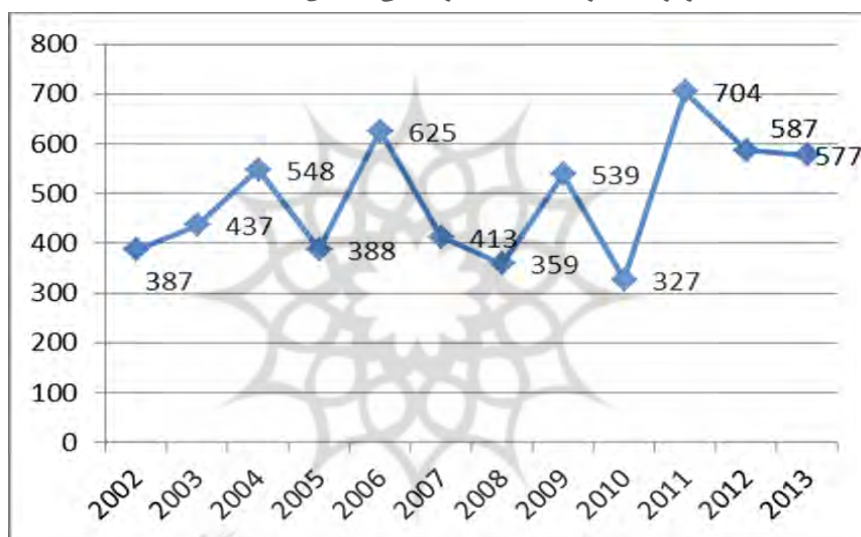
در راستای آزمون فرضیه فوق، مقاله به چند گفتار تقسیم شده است. در گفتار نخست روند رشد جایگاه اسرائیل در بازار جهانی فناوری‌ها و تسلیحات نظامی مورد بحث قرار گرفته است. در گفتار دوم به بررسی روابط اسرائیل با امریکا و نوسانات آن می‌پردازیم. در گفتار سوم فراز و فرودهای تعاملات نظامی این رژیم با روسیه بررسی شده و در گفتار چهارم، رشد شتابناک صدور تسلیحات و فناوری‌های نظامی این رژیم به هند تبیین شده است. در گفتار پنجم فراز و سپس فرود روابط نظامی-امنیتی چین و اسرائیل توضیح داده شده است. در نهایت نیز نتیجه‌گیری مباحث ارائه شده است.

۱. موقعیت رژیم صهیونیستی در فن‌آوری‌های نظامی

اسرائیل در یک دهه اخیر، جایگاه خود در بازار جهانی تسلیحات را از بازیگری کوچک، به یکی از صادرکنندگان مهم تسلیحات ارتقاء داده است. بر مبنای برخی آمارها، ارزش صادرات تسلیحاتی اسرائیل از ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳، به ۷/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است که روند رشد بسیار سریعی را نشان می‌دهد. با این روند رشد، رژیم صهیونیستی مقام هشتم را در میان ۱۰ صادرکننده بزرگ تسلیحات در جهان کسب کرده است. (Cook, 2013)

بر مبنای آمارهای موسسه مطالعات صلح بین‌المللی استکهلم در سال ۲۰۱۳، مهم‌ترین بازارهای صادراتی اسرائیل را کشورهای هند (۳۳ درصد)، ترکیه (۱۳ درصد) و کلمبیا (۹ درصد) تشکیل می‌دهند. بر پایه همین گزارش، اسرائیل ۶ درصد تسلیحات بازار تسلیحاتی هند (به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده تسلیحات در جهان) را در اختیار دارد. نمودار زیر روند رشد صادرات تسلیحاتی این رژیم را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که آمارهای مؤسسه مطالعات صلح استکهلم تنها بخش اعلام شده و آشکار تجارت تسلیحاتی را دربرمی‌گیرد.

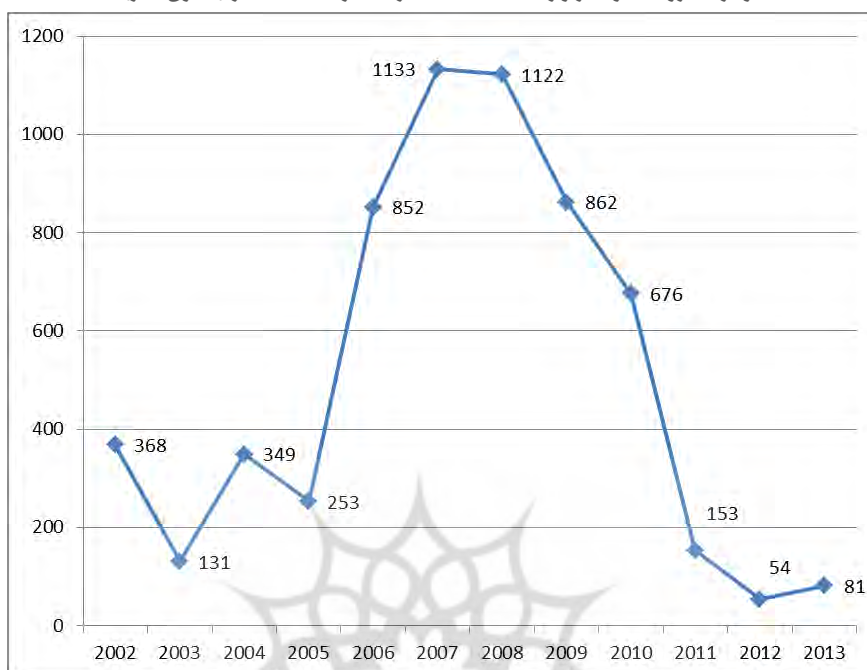
نمودار ۱- صادرات تسلیحات اسرائیل طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳



منبع: SIPRI Arms Transfer Database

از همین رو در تحلیل این آمارها، باید میان تجارت آشکار و پنهان تسلیحات قائل به تفکیک شد. بسیاری از متخصصین، حجم تجارت پنهان تسلیحاتی اسرائیل را گسترده توصیف کرده و معتقدند که این رژیم اکنون پس از آمریکا و روسیه، سومین صادرکننده بزرگ تسلیحات در جهان به شمار می‌آید. از دیگر سو، همان‌گونه که نمودارهای زیر نشان می‌دهد، نیاز رژیم صهیونیستی به واردات تسلیحات در یک دهه اخیر به طور کلی و در مقایسه با برخی دیگر از کشورها به شدت رو به کاهش بوده است، روندی که نشان از تقویت توانمندی‌های فناورانه این رژیم در حوزه نظامی دارد.

نمودار ۲- روند تحول در واردات تسلیحات اسرائیل در یک دهه اخیر (میلیون دلار)

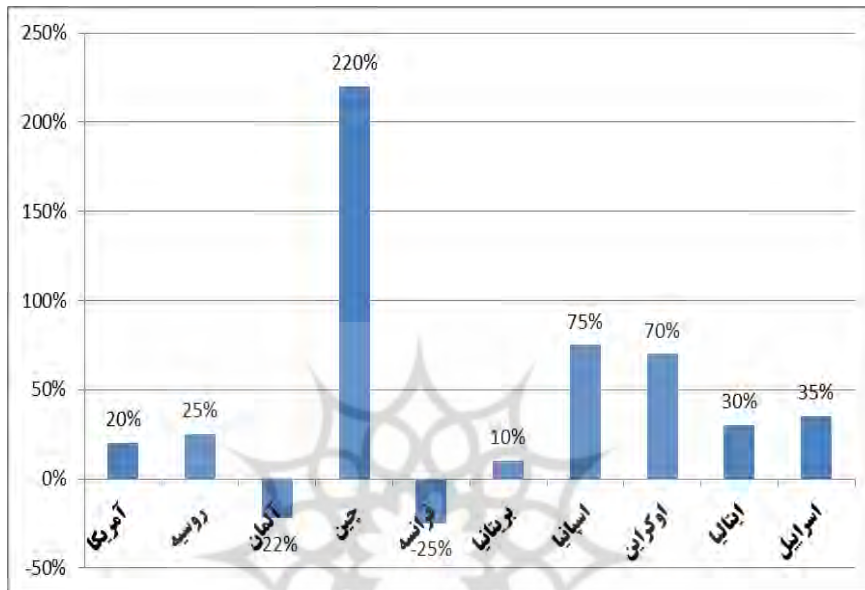


منبع: SIPRI Arms Transfer Database

در وضعیت کنونی، صنعت تسلیحاتی یکی از بزرگ‌ترین و پرسودترین صنایع در اقتصاد اسرائیل محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که بخش مهمی از نیروی کار و اقتصاد خانوار در این رژیم به این صنعت وابسته است. بر مبنای برخی آمارها، ۶۸۰۰ نفر در بخش صادرات تسلیحات مشغول به کارند و ۱۵۰ هزار خانوار اسرائیلی به صنایع تسلیحاتی آن وابستگی اقتصادی دارند. به دیگر سخن، از هر ۱۰ اسرائیلی، یک نفر به لحاظ درآمد به این صنعت وابسته است. سهم این رژیم در صادرات جهانی تسلیحات بر مبنای آمارها حدود ۲ درصد است که رقم بالایی محسوب می‌شود (سهم بریتانیا به عنوان ششمین صادرکننده بزرگ حدود ۴ درصد است). نمودار زیر که در تازه‌ترین گزارش مؤسسه مطالعات صلح بین‌المللی استکهلم منتشر شده است، به خوبی روند ارتقای جایگاه رژیم صهیونیستی در صادرات فن‌آوری‌های نظامی در جهان را نشان می‌دهد. این نمودار روند تغییر در ارزش صادرات تسلیحاتی صادرکنندگان کلیدی را طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳، نشان می‌دهد. برخی از این صادرکنندگان همچون آلمان و فرانسه رشد منفی داشته‌اند،

برخی دیگر چون روسیه و امریکا رشد مثبت اندکی را تجربه کرده‌اند، اما رژیم اسرائیل در رده بالاترین رشد در صادرات تسلیحات است. (Weseman, 2014)

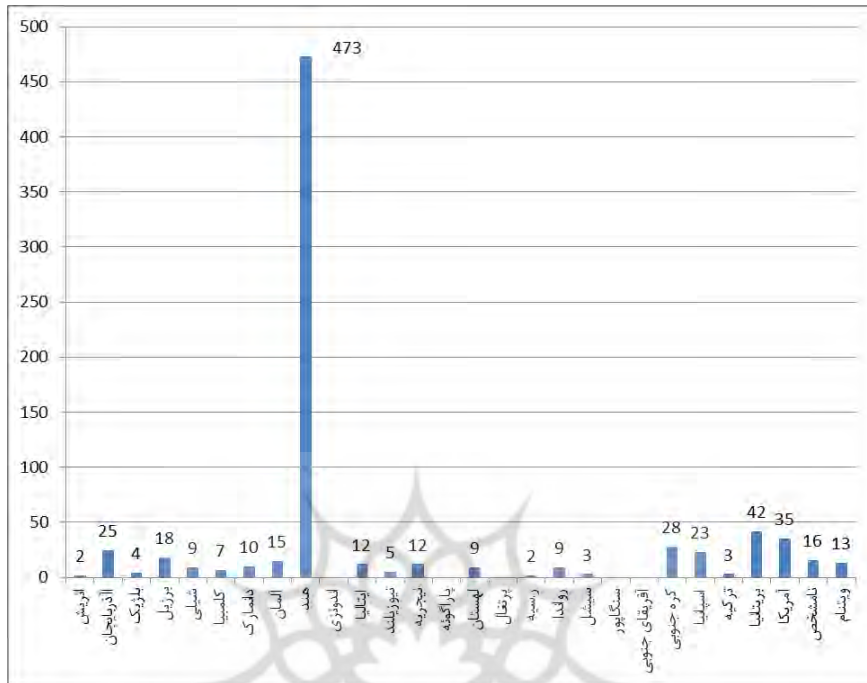
نمودار ۳- روند رشد جایگاه بازیگران در صادرات فن‌آوری‌های نظامی طی سال‌های (۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳)



منبع: SIPRI Arms Transfer Database

از همین روست که مقاصد صادراتی فن‌آوری نظامی اسرائیل را طیف وسیعی از کشورها تشکیل می‌دهند. کشورهایی که در قاره‌های مختلف پراکنده‌اند. البته همان‌گونه که نمودار زیر نشان می‌دهد، هند با فاصله بسیار نسبت به سایر کشورها، مهم‌ترین خریدار فن‌آوری‌های نظامی اسرائیل است. یکی از دلایل این امر به جایگاه هند به عنوان بزرگ‌ترین خریدار فن‌آوری‌های نظامی در جهان مربوط می‌شود، اما دلیل مهم‌تر، همکاری‌های استراتژیک رو به گسترش میان این کشور و اسرائیل است، همکاری‌هایی که در گفتارهای آتی بیشتر به آنها خواهیم پرداخت.

نمودار ۴- مقاصد صادرات فن‌آوری‌های نظامی اسرائیل در سال ۲۰۱۳



منبع: SIPRI Arms Transfer Database

ارتباط نظامی آمریکا و اسرائیل با هر فراز نشیبی همراه بوده است، اما در نهایت باعث تشکیل واحدهای بزرگ تولید تسلیحات نظامی در اسرائیل شد. از دید بعضی از صاحب‌نظران، انتقال فن‌آوری نظامی از آمریکا به اسرائیل، تحت عنوان کمک‌های نظامی، در مرحله اول موجب ایجاد اقتصاد دلالی و وابسته در اسرائیل شده است. (Bichler, 2002) اما با توجه به انسجام نظام ملی نوآوری در این رژیم، این واردات تنها مرحله اولیه کسب دانش و فن‌آوری نظامی آمریکا، یعنی احاطه بر دانش کاربردی تلقی می‌شود و با توجه به سیاست‌های توانمندسازی و ظرفیت‌سازی، به صورت منطقی تشکیل واحدهای عظیم صنایع نظامی مانند رافائل، آی.ام.آی، صنایع نظامی اسرائیل و یا تاس از همین بخش قابل توضیح می‌شود و صادرات کالاهای دفاعی به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های صادراتی اسرائیل، از همین طریق تشریح می‌شود.



با آغاز دهه ۹۰، اسرائیل توانمندی‌های فناورانه مهمی در حوزه نظامی کسب کرد. از آن هنگام جایگاه این بازیگر در بازار جهانی تسلیحات پیوسته رو به ارتقا بوده و طیف وسیعی از کشورها به مشتریان فن‌آوری‌های نوین این رژیم در حوزه نظامی تبدیل شده‌اند. (Bellamy, 2008) از اوائل دهه ۱۹۷۰، پس از پایان جنگ ویتنام، مخارج نظامی امریکا کاهش یافت و پرزیدنت نیکسون، تلاش کرد مسئله تجارت اسلحه را از کمک‌های نظامی و سیاست خارجی امریکا جدا کرده و تبدیل به یک امر تجاری و خصوصی کند. این ایده به صورت دکترین جدیدی در سیاست خارجی امریکا درآمد. براین اساس، متحدان امریکا مجبور بودند هزینه‌های ماموریت دفاعی خود را خود پرداخت کنند. مهم‌ترین کشوری که مجبور به پرداخت کلیه امور نظامی خود در این رابطه شد، ایران قبل از انقلاب بود که بخش مهمی از درآمد نفتی خود را به واردات اسلحه تخصیص می‌داد. اما در عین حال رژیم صهیونیستی مشمول این قاعده نشد و همچنان به عنوان یک استثنا کمک‌های نظامی فوق‌العاده دریافت می‌کرد. در همین موقعیت، جنگ ۱۹۷۳ مقطع تاریخی برای مشاهده تبادل آتش بین طرفین با تسلیحات خریداری شده و یا دریافت شده از امریکا و بخشی نیز بلوک شرق بود. ایالات متحده دلیل این صادرات و کمک‌های بی‌حد و حصر را نفوذ خود در کشورهای خاورمیانه با دیدگاه‌های مختلف عنوان می‌کرد. (Bellamy, 2008: 249) اما دکترین ریگان در دهه ۸۰ جای خود را به کارتر داد که به جای اینکه به نیابت‌های خود در منطقه توجه کند، به ایجاد یک نیروی ضربتی برای توانایی به اعمال یک عکس‌العمل سریع امیدوار شده بود.

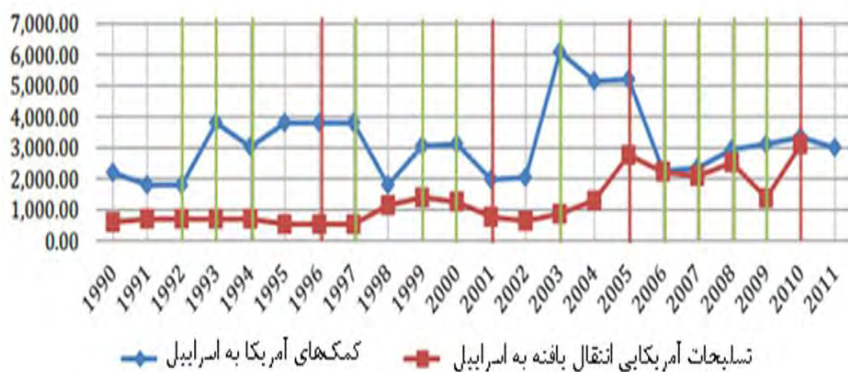
کمک‌های نظامی امریکا به رژیم صهیونیستی در کل جامعه اسرائیل تحولات زیادی ایجاد کرد. اولاً صنایع نظامی اسرائیلی بخش بزرگی از اقتصاد آن را دربرگرفتند. در دهه ۸۰، شصت و پنج درصد اقتصاد این رژیم به نوعی به بخش دفاعی وابسته بود. به علاوه در اثر این کمک‌ها، شرکت‌های صنعتی دفاعی بزرگی چون تاس و رافائل بوجود آمدند که هم با بخش خصوصی و هم با شرکت‌های چندملیتی خارجی قراردادهای حجیمی را منعقد می‌کند. از سوی دیگر سازمان‌هایی

مانند مامرام^۱، واحد رایانه ای ارتش اسرائیل، بخش بزرگی از سربازان وظیفه را تعلیم داده و وارد بخش خصوصی می‌کند و از این طریق، در بوجود آمدن استارت‌آپهای بخش فن‌آوری اطلاعات و میکروالکترونیک نقش مهمی را بازی می‌کند. (Dehaan & Glony, 2011) اما گسترش و انتقال فن‌آوری‌های نظامی از امریکا به رژیم اسرائیل، با شرایطی همراه بوده است که به اهرم‌های نفوذ امریکا در اسرائیل تبدیل شده است؛ از جمله دخالت در سیاست‌های این رژیم. در بخشی که در زیر می‌آید، رابطه بین سیاست‌های اسرائیل و ناخشنودی یا خشنودی امریکا از آن سیاست‌ها با روند کمک‌های نظامی امریکا در رژیم صهیونیستی دیده می‌شود: (Andrea Teresa, 2011)

جدول ۱- سیاست‌های رژیم صهیونیستی و خشنودی یا ناخشنودی امریکا از آنها (۲۰۱۰-۱۹۹۹)

سال	ماهیت	دلایل
۱۹۹۲	مثبت	پیروزی حزب کارگر در اسرائیل و تضمین پرداخت ۱۰ میلیارد دلار وام به اسرائیل
۱۹۹۳/۴	مثبت	توافق اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین-پیمان صلح اسرائیل و اردن
۱۹۹۶	منفی	امضای موافقتنامه انتقال تسلیحات میان چین و اسرائیل
۱۹۹۷	مثبت	امضای موافقتنامه موسوم به Wye میان اسرائیل و فلسطینیان
۱۹۹۹	مثبت	تلاش اسرائیل برای اجرای موافقتنامه Wye
۲۰۰۰	مثبت	خروج یک‌جانبه اسرائیل از جنوب لبنان
۲۰۰۱	منفی	انتقال تسلیحات به چین از سوی اسرائیل (بر مبنای موافقتنامه ۱۹۹۶)
۲۰۰۳	مثبت	از سرگیری گفت‌وگوهای اسرائیل-سازمان آزادیبخش فلسطین با مشارکت امریکا، تهاجم امریکا به عراق
۲۰۰۵	منفی	تعطیل مشارکت اسرائیل در توسعه هواپیماهای جنگنده
۲۰۰۶	مثبت	تاکید مجدد دولت بوش بر تعهد امریکا به امنیت اسرائیل
۲۰۰۷	مثبت	اسرائیل به عنوان شریک تحقیقاتی در وزارت امنیت داخلی امریکا پذیرفته شد
۲۰۰۸	مثبت	سامانه دفاع موشکی AN/TPY-2X امریکا در اسرائیل نصب شد
۲۰۰۹	مثبت	نتانیاهو راه‌حل دو دولت را به عنوان یک امکان پذیرفت
۲۰۱۰	منفی	اعلام پروژه‌های جدید شهرک‌سازی

نمودار ۵- کمک‌های مالی و تسلیحاتی امریکا به اسرائیل ۱۹۹۰-۲۰۱۱



همان‌طور که در نمودار بالا دیده می‌شود (Andrea Teresa, 2011)، روند آماری کمک‌های نظامی امریکا به اسرائیل ثبات بیشتری از کمک‌های غیرنظامی دارند و نشان می‌دهد از دید قانون‌گذاران و کنگره امریکا، نیاز رژیم صهیونیستی به کمک‌های نظامی یک امر دائمی است که تحت هر شرایط لزوم آن اثبات شده است. اما کمک‌های غیرنظامی دارای نوسانات مهمی است که همزمانی آن با اختلافات سیاسی با امریکا در نمودار کاملاً مشخص است. در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ که دو طرف بر سر مسائل فروش تسلیحات به چین به اختلاف شدیدی رسیده بودند، نه تنها کمک‌های غیرنظامی بلکه کمک‌های نظامی هم تحت تاثیر قرار گرفته بودند. این روند تا سال ۲۰۰۵ ادامه داشت. در سال ۲۰۰۵ رژیم صهیونیستی و امریکا قرارداد تعهدآوری را امضا کردند که اسرائیل پس از آن متعهد است که مشاورت اجباری امریکا را در فروش اسلحه به کشورهای دیگر کسب کند. این مورد شامل جنگنده‌های جوینت فایتر ۱۰۶ که از طریق تحقیق و توسعه با هشت کشور دیگر بدست آمده بود نیز می‌شد. (Teresa & Ruiz, 2011)

قبل از آن هم زمانیکه اسرائیل بطور مستقل پروژه تولید فن آوری جت موسوم به پروژه لاوی^۲ را پی گرفت، امریکا به شدت مخالفت کرد و تهدید کرد که در صورت پیگیری پروژه فن آوری هوایی مستقل، کمک‌های نظامی خود را قطع

1. Joint Strike Fighter 106

2. Lavi

می‌کند. به این ترتیب شرکت‌های علاقه‌مند اسرائیلی با مک دانل داگلاس و جنرال دینامیک سازنده اف ۱۶ قرارداد بستند تا از طریق آنان به تولید هواپیما دست بزنند. (Gee, 2007) البته بعداً همکاری رژیم صهیونیستی با چین بر سر فروش فن‌آوری جت‌های جنگنده موسوم به جی‌تن دوباره سوءظن‌ها را بر سر فروش فن‌آوری آمریکا به چین بالا برد.

۲. تعاملات نظامی روسیه و رژیم صهیونیستی

به لحاظ تاریخی، تا آخرین سال دوران جنگ سرد، روابطی میان شوروی و رژیم اسرائیل وجود نداشت. در سال ۱۹۹۱ و اندکی پیش از فروپاشی شوروی، روابط میان آنها برقرار شد. پس از فروپاشی شوروی، انبوهی از یهودیان روس به اسرائیل مهاجرت کردند و آن را به مهم‌ترین پایگاه روس‌زبانان در خاورمیانه تبدیل نمودند. افزون بر این، در این دوران روابط اسرائیل با روسیه نیز به سرعت رو به گسترش نهاد. در دوران پساجنگ سرد، روسیه به چند دلیل در سیاست خارجی و امنیتی این رژیم واجد اهمیت بوده است:

به عنوان یک قدرت بزرگ و دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد: از هنگام شکل‌گیری سازمان ملل متحد تاکنون، بیشترین قطع‌نامه‌های مطرح شده در شورای امنیت و مجمع عمومی در مورد منازعه اعراب و اسرائیل بوده‌اند؛ قطع‌نامه‌هایی که با حمایت قدرت‌های بزرگ از اسرائیل خنثی شده‌اند. بنابراین قابل درک است که این رژیم تلاش نماید تا روسیه و نیز چین را که به‌طور سنتی در این منازعه مدافع اعراب بوده‌اند، بی‌طرف سازد.

تأثیرگذاری بر نقش‌آفرینی روسیه به عنوان بازیگری مهم در موازنه قدرت خاورمیانه: شوروی در دوران جنگ سرد، کلیدی‌ترین نقش را در حمایت از اعراب و ارتقای جایگاه آنان در نظام موازنه قدرت این منطقه ایفاء می‌کرد. روسیه پس از جنگ سرد، رویه نقش‌آفرینی شوروی را به‌ویژه از هنگامی که ولادیمیر پوتین در سال ۱۹۹۹ به قدرت رسید، تداوم بخشیده است؛ البته این نقش‌آفرینی به دلیل غیرایدئولوژیک بودن سیاست خارجی روسیه و کاهش قدرت این کشور، تفاوت‌هایی با دوران شوروری داشته است، اما روسیه از اواخر دهه ۱۹۹۰ کوشید تا

مناسبات خود با سوریه، عراق و مصر را به عنوان مؤتلفین سابق خود ترمیم نماید و با فروش تسلیحات به آنان، نقش سنتی خود را در کنترل تسلیحات در این منطقه باز یابد. قابل درک است که احیای نقش شوروی در موازنه قدرت منطقه ای، برای موقعیت منطقه ای و بین المللی اسرائیل تبعات منفی جدی در برمی داشت. از همین رو این رژیم کوشیده تا بر نقش آفرینی جدید روسیه در این منطقه تأثیر بگذارد. در ادامه به این بحث باز خواهیم گشت.

محدودسازی مناسبات ایران و روسیه: یکی دیگر از اهداف کلیدی اسرائیل در مدیریت روابط با روسیه، محدودسازی مناسبات این کشور با ایران است. مناسبات ایران و روسیه پس از روی کار آمدن پوتین، رو به گسترش بوده است. از دیگر سو، از اواخر دهه ۱۹۹۰، برنامه هسته ای ایران به عنوان کلیدی ترین تهدید علیه موقعیت منطقه ای اسرائیل رو به پیشرفت بوده است؛ پیشرفتی که روسیه نیز در آن نقش آفرینی کرده است. افزون بر این، ایران تلاش نموده تا به تسلیحات پیشرفته روسی دست یابد و موقعیت خود در نظام موازنه قدرت خاورمیانه را ارتقا بخشد. با توجه به رقابت استراتژیک و فزاینده ایران و اسرائیل در سال های اخیر، یکی از اولویت های این رژیم، محدود نمودن حمایت روسیه از ایران و بهره گیری از ابزارهای این کشور برای محدود ساختن برنامه هسته ای ایران بوده است.

گسترش نفوذ در بازار بزرگ روسیه: ناگفته پیداست که روسیه یکی از بزرگ ترین و پر پتانسیل ترین اقتصادهای جهان را داراست. این توانمندی در ترکیب با سیاست های مبتنی بر بازار آزاد از سوی این رژیم باعث شده تا یافتن جای پای در بازار روسیه به اولویت بسیاری از بازیگران از جمله اسرائیل مبدل شود. بنابراین می توان نفوذ در بازار بزرگ و رو به گسترش روسیه را یکی دیگر از اهداف کلیدی رژیم صهیونیستی در مدیریت روابط با روس ها به شمار آورد. (Razoux, 2008) قابل درک است که محقق ساختن اهداف فوق، نیاز به «ابزارها» و «شیوه هایی» دارد. فن آوری و به ویژه فن آوری نظامی، یکی از ابزارهای کلیدی اسرائیل در جهت نیل به اهداف فوق در روابط با روسیه بوده است. البته بهره گیری از جمعیت روس زبان اسرائیل و نیز یهودیان ثروتمند و متنفذ روسیه را نیز باید مورد توجه قرارداد. اسرائیل ابزار فن آوری را به صورت مختلف در مدیریت روابط خود با روسیه به کار

گرفته است: انتقال فن آوری های پیشرفته به روسیه در حوزه نظامی و غیرنظامی؛ و انتقال فن آوری به کشورهای روسیه با آنها دچار مشکلات جدی است. در ادامه ضمن بررسی روند تحول در روابط رژیم صهیونیستی و روسیه، شیوه های بهره گیری اسرائیل از ابزار فن آوری در پیش برد اهداف فوق الذکر را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

اسرائیل پس از فرانسه دومین رژیم می است که در دوران بعد از جنگ دوم جهانی به روسیه فن آوری های نظامی صادر کرده است. نکته مهمی که در ابتدای این مبحث باید به آن اشاره داشت، آنکه مبادلات نظامی میان کشورها، به ویژه هنگامی که بازیگران غیرشفافی همچون روسیه و اسرائیل طرفین مبادله باشند، «رازی آشکار» است؛ بدان معنا که کلیات مبادلات روشن است اما جزئیات آن در هاله ای از ابهام قرار دارد. آماری که مؤسسه صلح بین المللی استکهلم از مبادلات فناوریان که معتبرترین آمار بین المللی در این زمینه به شمار می رود، منتشر کرد. در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۲- فن آوری های نظامی انتقال یافته از سوی اسرائیل به روسیه

نوع تسلیحات	سال سفارش	تعداد	سال تولید/تحويل	ملاحظات
پهباد (جاسوسی)	۲۰۰۹	۸	۲۰۰۹-۲۰۱۰	به ارزش ۳۷ میلیون دلار
هوایمایدون سرنشین (پهباد)	۲۰۱۰	۶	۲۰۱۳	موتناژ در روسیه

منبع: SIPRI Arms Transfer Database

اما همان گونه که اشاره شد، آمار فوق الذکر تنها بخشی از مبادلات فناورانه رژیم صهیونیستی و روسیه در حوزه نظامی را نشان می دهد. بر مبنای برخی گزارش ها در سال ۱۹۹۹، قراردادی سه جانبه میان روسیه، اسرائیل و چین به ارزش یک میلیارد دلار برای صدور هوایماهای نظامی به چین که مشترکاً توسط روسیه و اسرائیل تولید شده بود، میان طرفین به امضاء رسید. در سال ۲۰۰۴ نیز قراردادی سه جانبه میان اسرائیل، روسیه و هند به امضاء رسید و در قالب آن اسرائیل سیستم های راداری ای.ای.ال/دبلیو ۲۰۹۰ را به هند فروخت. سیستم هایی که با همکاری روسیه بر روی هوایماهای روسی نیروی هوایی هند قرار می گیرند. (Bindiya, 2014)



منابع اسرائیلی مدعی اند که روسیه در سال ۲۰۰۹، سه مدل از پهادهای این رژیم را (مجموعاً ۱۵ فروند) خریداری کرده است. بر مبنای برخی گزارش‌ها، روس‌ها تلاش کرده‌اند تا با مهندسی معکوس پهادهای اسرائیلی را بومی‌سازی نمایند اما این پروژه با شکست مواجه شده و از همین رو پیشنهاد سرمایه‌گذاری مشترک در پروژه‌ای ۲۰۰ میلیون دلاری در این حوزه را مطرح کرده‌اند و طرف اسرائیلی نیز تضمین خرید حداقل ۱۰۰ فروند پهباد ساخته شده در این پروژه را از سوی روسیه به عنوان شرط مطرح کرده است. در سال ۲۰۱۰ موافقت‌نامه‌ای ۴۰۰ میلیون دلاری میان صنایع هوافضای^۱ اسرائیل و شرکت دولتی اوبورنیروم^(۲) روسیه منعقد شد. در قالب این قرارداد، صنایع هوا فضایی اسرائیل، سیستم‌های کاوشگر^۲ را بر روی پهادهای روسی قرار می‌دهد. (Haaretz, 2010) تا پیش از تحولات اخیر اوکراین قرار بود این پروژه در سال ۲۰۱۴ اجرایی شود، اما با وقوع این تحولات و فشارهای غرب بر اسرائیل، اجرایی شدن آن در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. برخی منابع حتی از لغو این قرارداد از سوی اسرائیل در اعتراض به الحاق کریمه به روسیه خبر داده‌اند. افزون بر این اسرائیل پس از تحولات اخیر اوکراین، تحت فشار ایالات متحده و اتحادیه اروپا بخشی از مواد قرارداد یک میلیارد دلاری روسیه مربوط به پروژه توسعه فن‌آوری‌های با کاربرد دوگانه را لغو کرد. (Alexe, 2012)

اسرائیل در سال‌های اخیر تعاملات فناورانه خود با روسیه را به حوزه هوا فضا گسترش داده است. در همین راستا دو طرف در سال ۲۰۱۱، موافقت‌نامه جامعی برای شکل‌دهی به همکاری‌های درازمدت در زمینه هوا فضا امضاء کردند. این موافقت‌نامه در واقع چهارچوبی برای شکل‌دهی و توسعه و پیشبرد همکاری‌های طرفین در این زمینه است. در همین سال و در نخستین گام اجرای موافقت‌نامه فوق‌الذکر، ماهواره مخابراتی آمو-۵^۳ توسط شرکت جی‌اس‌سی روسیه ساخته شد و از پایگاه هوایی بایکونور قزاقستان به فضا پرتاب شد. اسرائیل تاکنون ۵ ماهواره مخابراتی آمو را در فضا قرار داده است که از این میان، تنها ماهواره آمو-۵ توسط

1. Israel Aerospace Industry
2. Searcher Systems
3. Amo-5

روسیه ساخته شده و مابقی صنایع هوافضای این رژیم هستند. ششمین ماهواره از این نوع نیز تا سال ۲۰۱۵ در فضا قرار خواهد گرفت. همان‌گونه که اشاره شد، یکی دیگر از اقدامات اسرائیل در مدیریت روابط با روسیه، انتقال فن‌آوری‌های حساس نظامی به کشورهایی است که با روسیه مشکلات جدی دارند. ناگفته پیداست که گرجستان مهم‌ترین کشور است با روسیه مشکلات فراوانی دارد. انتقال فن‌آوری‌های نظامی به این کشور با هدف فشار بر روسیه برای محدودسازی و قطع مبادلات تسلیحاتی این کشور با ایران و سوریه صورت می‌گیرد؛ تلاشی که در مقطعی با موفقیت همراه بوده است. بر مبنای آمارهای مؤسسه مطالعات صلح استکهلم، رژیم اسرائیل طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷، که سال‌های اوج‌گیری تنش میان روسیه و گرجستان به‌شمار می‌آید، پنج فروند پهباد آئرواستار^۱، پنج فروند پهباد هرمس^۲ ۴۵۰۰ و چهار سیستم توپخانه راکتی ال.آ.آ^۳ را به گرجستان صادر کرده است. افزون بر این، سرویس امنیت داخلی اسرائیل، شین پت آموزش بخشی از نیروهای ارتش گرجستان را نیز در این سال‌ها برعهده گرفت. (SIPRI, 2015)

با اوج‌گیری تنش و وقوع جنگ میان روسیه و گرجستان، رژیم اسرائیل تغییراتی در سیاست خود ایجاد کرد. از یک سو، مشاوران نظامی اسرائیلی در کنار نیروهای گرجی در گرماگرم نبرد حضور داشتند و از دیگر سو، به ادعای برخی منابع از کارت گرجستان برای ممانعت از انتقال سیستم دفاع ضد موشکی اس ۳۰۰ به ایران بهره برد. بدین صورت که کدهای امنیتی پهبادهایی را که در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ به گرجستان صادر کرده بود را در اختیار روس‌ها قرارداد. بنابراین می‌توان گفت اسرائیل از شیوه‌ها و ابزارهای چندگانه‌ای برای مدیریت روابط با روسیه بهره برده است؛ شیوه‌ها و ابزارهایی که فن‌آوری نظامی مهم‌ترین آنهاست. (Sosinsky, 2012)

-
1. Aerostar
 2. Hermes-450
 3. LAR-160

۳. تعاملات نظامی رژیم صهیونیستی و هند

برقراری روابط رسمی میان هند و اسرائیل، به دوران پس از جنگ سرد و آغاز دهه ۱۹۹۰ بازمی‌گردد. گرچه هند، اسرائیل را دو سال پس از شکل‌گیری آن، یعنی در سال ۱۹۵۰ مورد شناسایی قرارداد، اما تا پایان جنگ سرد، روابط دیپلماتیکی میان این دو برقرار نشد. دلایل برقرار نشدن روابط میان دو طرف در دوران جنگ سرد، به دستورکار سیاست خارجی هند و فضای بین‌المللی مسلط در آن دوران بازمی‌گردد. هند به عنوان کشوری پسااستعماری، در این دوران نقشی مهم در مبارزات ضداستعماری ایفا می‌کرد. تجلی این نقش، جنبش عدم تعهد بود که هند از بنیادگذاران آن محسوب می‌شود. از همین رو، این کشور در سیاست اعلامی خود در دوران جنگ سرد، همواره حامی جنبش‌های آزادی‌بخش بود. طبیعی است که جنبش آزادی‌بخش فلسطین، به عنوان یکی از مهم‌ترین جنبش‌های این دوره، مورد حمایت هند قرارگیرد. از همین رو بود که هند از جمله اولین کشورهای غیرعرب بود که استقلال فلسطین را به رسمیت شناخت و به جنبش آزادی‌بخش اجازه تأسیس سفارت‌خانه در دهلی نو را اعطا نمود.

افزون بر این، گرچه هند در فضای جنگ سرد، همواره در سیاست اعلامی خود، بر عدم تعهد تأکید داشت، اما در عمل، روابطی گسترده با شوروی داشت و به مرز ائتلاف با این کشور نزدیک شده بود. از دیگر سو، رژیم اسرائیل، مهم‌ترین مؤتلف خاورمیانه‌ای غرب بود. بنابراین، جهت‌گیری کلان سیاست خارجی دو طرف نیز در دوران جنگ سرد کاملاً با یکدیگر متفاوت بود. در سطح منطقه‌ای نیز هند حمایت از جنبش آزادی‌بخش را ابزاری برای کسب حمایت دنیای عرب و محدودکردن نفوذ پاکستان در میان آنان می‌دانست. (Ginat, 2004)

ذکر این نکته ضروری است که تعارض رویکرد سیاست خارجی دو طرف و برقرار نبودن روابط میان آنان، به معنای نداشتن تعاملات دوجانبه نبوده است. در این دوران، همکاری‌های امنیتی و نظامی میان دو طرف همواره وجود داشته و در مقاطعی نیز پررنگ شده است. به عنوان مثال، در سال ۱۹۶۳ و در بحبوحه تبلیغات ضداستعماری هند، ژنرال شالیت، رئیس وقت ستاد مشترک ارتش اسرائیل، مخفیانه به هند سفر کرد و با همتایان هندی خود به مذاکره نشست. اسرائیل در جنگ ۱۹۶۲

هند با چین و جنگ ۱۹۷۱ آن با پاکستان، کمک‌های نظامی چشمگیری به این کشور ارائه داد. (Datta, 2013)

در مقابل، هند نیز در جنگ ۱۹۶۷ اسرائیل با اعراب، با ارسال تسلیحات (سلاح‌هایی که از شوروی دریافت کرده بود) به این رژیم، کمک‌های آن را به نوعی پاسخ گفت. نخست وزیر وقت هند در سال ۱۹۷۹، مهاراجه دسای^۱ از موشه دایان^۲، هم‌تای اسرائیلی خود برای دیدار مخفیانه از هند دعوت به عمل آورد. از آنجایی که روابطی میان دو طرف وجود نداشت، دیدار رسمی ممکن نبود. تعاملات پنهانی هند و اسرائیل در دهه ۱۹۸۰ نیز تداوم یافت. در این دهه، ایندیرا گاندی، مجوز همکاری سرویس اطلاعات خارجی هند - شاخه تحقیق و تحلیل^۳ - با موساد را صادر کرد. پس از ترور ایندیرا گاندی، موساد تمایل به همکاری بیشتری با سرویس جاسوسی هند نشان داد و دستگاه‌های الکترونیک پیشرفته‌ای را به منظور کاربردهای جاسوسی در اختیار آن قرار داد. (Pant, 2004) در دهه ۱۹۸۰، همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی هند و اسرائیل، رو به افزایش گذاشت؛ به گونه‌ای که برخی بحث‌ها در مورد طرح مشترک دو طرف برای حمله به تأسیسات هسته‌ای پاکستان به میان آمد. روزنامه‌های پاکستانی در آن مقطع، مدعی شدند که این طرح از بیم اقدام تلافی‌جویانه پاکستان کنار گذاشته شده است. (Blechman, 2009: 21)

ایالات متحده در این دوران، همواره مشوق گسترش تعاملات هند و اسرائیل بوده است؛ نقشی که تاکنون نیز تداوم یافته است. در همین راستا، در نبود روابط رسمی میان طرفین، ایالات متحده نقش واسط را در تماس‌های آنان با یکدیگر ایفا می‌کرد. در پی دیدار راجیو گاندی از ایالات متحده در سال ۱۹۸۶، استفن جی سولارز^۴، نماینده کنگره آمریکا، زمینه را برای تماس و برقراری روابط نزدیک میان برخی لابی‌های صهیونیستی نیویورک با مقامات هندی را فراهم آورد که این تلاش‌ها، مؤثر بوده است. به همین دلیل بود که برقراری روابط رسمی میان دو

1. Morarji Ranchhodji Desai
2. Moshe Dayan
3. Research and Analysis
4. Stephen J. Solarz

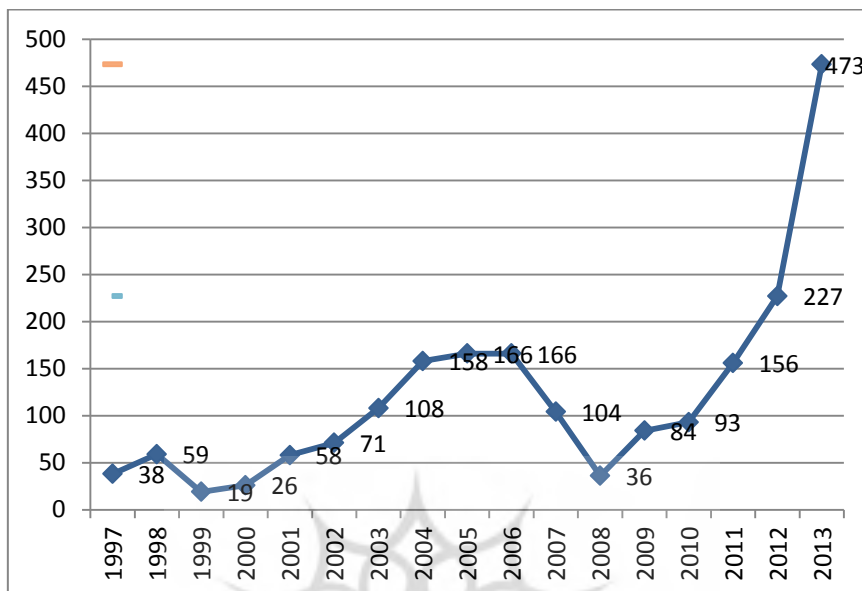
طرف با فاصله ای اندک پس از دیدار ناراسیم ها راثو^۱، نخست وزیر وقت هند، از ایالات متحده صورت گرفت. افزون بر این، لابی یهود در امریکا، همواره در جهت تسهیل روابط هند و امریکا و در جهت منافع هند موضع گیری کرده و از محور هند-اسرائیل-امریکا سخن گفته است. (Ramana, 2008)

در حوزه تعاملات نظامی دو طرف، بحث برانگیزترین موضوع به مسئله کمک اسرائیل به هند در جنگ کارگیل با پاکستان در سال ۱۹۹۹ بازمی گردد. در این جنگ، در مورد کمک های حیاتی اسرائیل به هند حرف و حدیث های زیادی مطرح شده است. این بحث ها به ویژه در پاکستان با قوت بیشتری مطرح شد. مارک سوفر، سفیر سابق اسرائیل در هند نیز این کمک ها را تأیید کرد و آنها را واجد ارزش استراتژیک برای هند در آن مقطع زمانی دانست. (Sofer, 2006)

با دقت در سیر برقراری روابط هند و اسرائیل، می توان دریافت که منافع مشترک پراهمیتی میان دو طرف وجود دارد و رو به گسترش نیز هست؛ منافعی که تلاش ها برای برقراری روابط و گسترش آن را در راستای تثبیت و بسط آن می توان تفسیر کرد. در این میان رژیم اسرائیل به گونه ای وسیع از ابزار فناوری برای گسترش و تحکیم روابط خود با هند بهره برده است. مهم ترین نماد بهره گیری از ابزار فناوری از سوی این رژیم را در حوزه نظامی می توان سراغ گرفت.

مبادلات تسلیحاتی را می توان مهم ترین وجه منافع مشترک هند و اسرائیل و پایه بسط و توسعه روابط دو طرف به شمار آورد. طبیعت این مبادلات به دلیل ماهیت آن به گونه ای است که چندان اطلاعات دقیقی در مورد آن وجود ندارد. با این وجود، از کلیات انتقال فن آوری های اسرائیلی به هند، مطالبی وجود دارد که خود نشان دهنده اهمیت این مبادلات در روابط دوجانبه آنان است. همان گونه که نمودار زیر نشان می دهد، مبادلات تسلیحاتی اسرائیل و هند در دوران پس از جنگ سرد و به ویژه از سال ۲۰۰۸ بدین سو، به سرعت رو به توسعه بوده است.

نمودار ۶- روند تحول در مبادلات تسلیحاتی اسرائیل و هند (۱۹۹۷ تا ۲۰۱۳) (میلیون دلار)



منبع: SIPRI Arms Transfer Database

جداول زیر نیز مهم ترین تسلیحات صادراتی اسرائیل به هند در دوره پسا جنگ سرد را نشان می دهند.

جدول شماره ۳- هواپیماهای صادر شده اسرائیلی به هند طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳

سال تحویل	تعداد تحویل داده شده	سال سفارش	تعداد سفارش	نوع هواپیما
۲۰۰۱	۳۲	۱۹۹۹	۳۲	پهباد سرچر
۱۹۹۷	۷	۱۹۹۶	۷	پهباد آسترا-اس.پی.ایکس ^۱
۹۸-۲۰۰۰	۳۶	۱۹۹۶	۳۶	پهباد سرچر
۲۰۰۱-۲۰۰۲	۱۲	۲۰۰۰	۱۲	پهباد هرون
۲۰۰۲-۲۰۰۳	۳۰	۲۰۰۱	۳۰	پهباد سرچر
۲۰۰۳	۸	۲۰۰۲	۸	پهباد سرچر
۲۰۰۵-۲۰۰۶	۱۸	۲۰۰۳	۱۸	پهباد سرچر
۲۰۰۵	۴	۲۰۰۳	۴	پهباد هرون
۲۰۰۶-۲۰۰۷	۱۶	۲۰۰۶	۱۶	پهباد هرون
۲۰۱۲-۲۰۱۳	۱۶	۲۰۰۹	۱۶	پهباد هرون
۲۰۱۱	۲	۲۰۱۰	۲	پهباد هرون
۲۰۱۱	۲	۲۰۱۰	۲	پهباد سرچر
۲۰۱۴	۱۶	۲۰۱۳	۱۶	پهباد هرون

منبع: Sipri Arms Transfer Database

1. Astra-SPX

جدول شماره ۴- نمودار موشک‌های اسرائیلی صادرشده به هند طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳

سال تحویل	تعداد تحویل داده شده	سال سفارش	تعداد سفارش	نوع موشک
۲۰۰۹	۱۵۰۰	۲۰۰۹	۱۵۰۰	باراک-۸
۱۹۹۹-۲۰۰۰	۴۰	۱۹۹۷	۴۰	هاوی
۲۰۰۴-۲۰۰۶	۳۰	۲۰۰۱	۳۰	آ.ای.ام ^۱
۲۰۰۵-۲۰۱۳	۴۰۰	۲۰۰۲	۴۰۰	باراک-۱
۲۰۰۲-۲۰۰۶	۲۵۰	۲۰۰۲	۲۵۰	گرفین
۲۰۰۴-۲۰۰۵	۶۰	۲۰۰۳	۶۰	باراک-۱
۲۰۰۸-۲۰۱۳	۲۰	۲۰۰۵	۲۰	دربی ^۲
۲۰۰۷	۱۰۰	۲۰۰۵	۱۰۰	پیتون-۴
۲۰۱۳	۱۰۰	۲۰۰۶	۱۰۰	لاهایت
۲۰۱۲-۲۰۱۳	۳۰۰	۲۰۰۶	۷۵۰	دربی
۲۰۱۲-۲۰۱۳	۳۰۰	۲۰۰۸	۷۵۰	پیتون-۵
۲۰۰۹	۱۰۰	۲۰۰۸	۱۰۰	اسپیس ^۳
۲۰۱۲-۲۰۱۳	۲۵۰	۲۰۰۹	۲۵۰	گرفین
۲۰۱۳	۲۵	۲۰۰۹	۵۰	هاروپ
۲۰۱۵	-	۲۰۱۲	۵۰۰	ان.جی.ال.جی.بی ^۴
-	-	۲۰۱۳	۲۶۲	باراک-۱

منبع: Sipri Arms Transfer Database

همان‌گونه که این جداول نشان می‌دهند، هند در سال‌های اخیر بدل به مهم‌ترین خریدار فناوری‌های نظامی اسرائیل شده است، به گونه‌ای که ارتش این رژیم به تدریج رنگ و بوی اسرائیلی به خود می‌گیرد. از میان این مبادلات، موارد زیر از اهمیت بیشتری برخوردارند:

قرارداد فروش هواپیماهای فالكون^۵: این قرارداد که نصب سیستم‌های رادار هشداردهنده سریع ساخت اسرائیل بر روی هواپیماهای روسی بریف^۶ نیروی هوایی هند را در بر می‌گیرد، در سال ۲۰۰۴ منعقد شد. این قرارداد یک میلیارد و یکصد میلیون دلاری در عمل، با دشواری‌ها و تأخیرهایی مواجه شده است؛ به گونه‌ای که تا سال ۲۰۱۰، تنها یک فالكون به هند تحویل داده شد. اما از آن پس دو فروند فالكون

1. AEM
2. Derby
3. SPICE
4. NG-LGB
5. Airborne Early Warning_(AEW)
6. Beriev A-50

دیگر نیز به نیروی هوایی هند تحویل داده شده است. افزون بر این، هند ابراز علاقه‌مندی کرد که سه فروند فالکون دیگر نیز از اسرائیل خریداری نماید. این بخش جدید، معطوف به نصب سیستم هشداردهنده سریع بر روی هواپیماهای کوچک‌تر همچون جنگنده‌های جی ۵۵۰^۱ ساخت ایالات متحده یا جت‌های ای‌آرجی ۱۴۵^۲ ساخت برزیل که نیروی هوایی هند آنها را در اختیار دارد، بازمی‌گردد. بر مبنای برخی گزارش‌ها این قرارداد نیز اجرایی شده است.

قرارداد فروش سیستم‌های بالونی نظارت و مراقبت^۳: سیستم‌های بالونی نظارت و مراقبت، بر مبنای استفاده از بالون برای اهداف نظامی طراحی شده‌اند. در واقع این سیستم‌ها، نوعی رادار به شمار می‌آیند. در چهارچوب قرارداد فروش بالون‌های نظارت و مراقبت، هند دو تا چهار رادار ای/الام-۲۰۸۳ را از شرکت التای اسرائیل برای نصب بر روی سیستم‌های بالونی نظارت و مراقبت خریداری کرده است. این رادارها قرار است در مرز هند و پاکستان نصب شوند. ارزش این معامله که اخیراً و به‌عنوان بخش دوم معامله‌ای که در سال ۲۰۰۴ صورت گرفت و طی آن، دو رادار از سوی هند از این شرکت خریداری شد، انجام شده بالغ بر ۶۰۰ میلیون دلار است. (Strategy Page, 2009)

سیستم‌های دفاع هوایی^۵: دو معامله بزرگ در این حوزه میان هند و رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. یکی خریداری موشک‌های باراک-۸ است. این موشک‌ها، نمونه پیشرفته موشک باراک است که زمین-پایه بوده و مدل‌های پیشین آن را نیز اسرائیل به نیروی دریایی هند فروخته است. باراک-۸، با برد هفتاد کیلومتر، قابلیت هدف قراردادن هواپیما، بالگرد و موشک‌های کروز را دارد. ارزش این معامله، ۱/۴ میلیارد دلار برآورد شده است. دومین معامله در این حوزه، مربوط به سیستم‌های دفاع هوایی اسپایدر^۶ است. این سیستم، یک سیستم دفاعی متحرک و

1. G550 Aircraft
2. ERJ-145 Jets
3. Aerostat Surveillance Systems
4. EL/M-2083
5. Air Defense Systems
6. SPYDER air defense systems

زمین-پایه است.

جدول شماره ۵- سیستم‌های دفاع هوایی صادر شده از سوی اسرائیل به هند

نوع تسلیحات	تعداد سفارش داده شده	سال سفارش/مجوز	سال تحویل	تعداد تحویل شده یا تولید شده
سیستم سام-باراک ۸	۱۸	۲۰۰۸	۲۰۱۲	۶

منبع: SIPRI Arms Transfer Database

پرتاب ماهواره ریسات^۱-۲: در سال ۲۰۰۹، هند اعلام کرد که ماهواره ریسات-۲ را با موفقیت پرتاب کرده است. در ابتدا، اعلام شد که این ماهواره کاربرد صلح آمیز دارد اما به زودی مشخص شد که صرفاً در راستای برآورده ساختن اهداف نظامی هند مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این ماهواره، به سیستم راداری ساخت اسرائیل مجهز است. در واقع، این ماهواره هندی با داشتن این سیستم تا حد زیادی به ماهواره تکسار^۲ ساخت اسرائیل که در سال ۲۰۰۸، به وسیله یک پرتاب کننده هندی در فضا قرار گرفت، شباهت دارد. پرتاب این دو ماهواره، نشان داد که همکاری های نظامی هند و رژیم صهیونیستی در حوزه فضایی نیز به سرعت توسعه یافته است. (Singh, 2014)

ارتقای قابلیت های جت ها و بالگردهای نیروی هوایی ارتش هند: در چهارچوب این معامله، اسرائیل ارتقای بالگردهای میگ-۲۴ روسی ارتش هند را به پایان برده است. در بخش دیگری از این توافقنامه، هند خواستار ارتقای قابلیت های هواپیماهای ترابری ان-۳۲ خود که اساساً اوکراینی اند، شده است. ارتش هند حدود صد فروند از این هواپیماها را در اختیار دارد و انتظار می رود که نیمی از آنها در چهارچوب این پروژه ارتقای قابلیت داده شوند.

صدور نمونه پیشرفته سلاح های ضدرادار هارپی^۳: این سیستم را هند در سال ۲۰۰۹ از اسرائیل خریداری کرده است. مشابه این سلاح در گذشته به چین فروخته شده است. مبادلات تسلیحاتی هند و اسرائیل، کاملاً یک سویه نیست و هند تلاش کرده تا توجه اسرائیل را به برخی فناوری های نظامی خود جلب نماید، اما از آنجا که رژیم صهیونیستی عمده نیازهای تسلیحاتی خود را از غرب دریافت می کند،

1. RAISAT-2 Reconnaissance
2. Tech SAR Reconnaissance
3. Harppy



صنعت تسلیحاتی هند در این زمینه توفیق اندکی یافته است. در این راستا، در سال ۲۰۰۴ اعلام شد که اسرائیل قصد دارد بالگردهای سبک از هند خریداری نماید، اما این رژیم پس از چندی، از این اقدام منصرف شد. در سال‌های اخیر نیز در همین راستا از علاقه اسرائیل به خرید موشک کروزر سوپرسونیک هند موسوم به برهموس^۱ خبرهایی منتشر شده است. (Shapir, 2009) با وجود این، مهم‌ترین جلوه موفقیت صنعت تسلیحاتی هند در این راستا، پرتاب کردن ماهواره اسرائیل در سال ۲۰۰۸ بود. پرتاب این ماهواره توسط هند، علاوه بر بحث و جنجال‌های فراوانی که برانگیخت، نشان داد که همکاری‌های دو طرف در زمینه هوا-فضا، تا حد قابل توجهی گسترش یافته است. توسعه مبادلات تسلیحاتی هند و رژیم صهیونیستی در سالیان اخیر، به گونه‌ای بوده است که بر مبنای آمار وزارت دفاع اسرائیل، نزدیک به پنجاه درصد از صادرات تسلیحاتی اسرائیل را هند جذب می‌کند. برخی منابع هندی حجم قراردادهای تسلیحاتی هند و اسرائیل از سال ۱۹۹۹ تاکنون را حدود هشت میلیارد دلار برآورد می‌کنند و پیش‌بینی می‌کنند که اسرائیل به تدریج جایگزین روسیه به‌عنوان مهم‌ترین صادرکننده تسلیحات به هند شود. (Chari, 2010)

با وجود توسعه سریع روابط دو طرف در این حوزه، مبادلات نظامی هند و اسرائیل، با چالش‌هایی نیز مواجه است. اگرچه ایالات متحده همواره مشوق بسط روابط اسرائیل با هند بوده و در زمینه مبادلات تسلیحاتی این رژیم با هند نیز جز در مواردی محدود، محدودیت ایجاد نکرده، اما در وضعیت کنونی و با بازتعریف روابط هند و امریکا، ایالات متحده به رقیب اسرائیل در بازار تسلیحاتی هند تبدیل شده است. از آنجا که صنعت تسلیحاتی اسرائیل تا حد قابل توجهی به امریکا وابسته است و توان صنایع تسلیحاتی ایالات متحده با اسرائیل قابل مقایسه نیست، طبیعتاً اسرائیل بازنده این رقابت خواهد بود.

افزون بر این، گسترش روزافزون مبادلات تسلیحاتی هند با اسرائیل، حساسیت‌های زیادی را در میان کشورهای خاورمیانه برانگیخته است. نماد این حساسیت‌ها، در پرتاب ماهواره اسرائیلی توسط هند بود. در این قضیه، اولاً فشار

1. BrahMos

کشورهای عربی باعث شد که تا مدتی پرتاب آن به تعویق بیفتد. پس از پرتاب نیز این کشورها شدیداً به هند اعتراض کردند. طبیعی است که با بسط این همکاری‌ها، اعتراضات و نگرانی‌های رقبای اسرائیل در خاورمیانه گسترده‌تر شود و می‌تواند بر روابط هند با آنان، روابطی که از جنبه‌های مختلف برای هند حائز اهمیت ویژه‌ای است، تأثیرات منفی قابل توجهی برجای بگذارد. اما با وجود این چالش‌ها، اسرائیل در بهره‌گیری از ابزار فناوری نظامی در گسترش روابط خود با هند از بیشترین توفیق برخوردار بوده است.

در نهایت، می‌توان گفت که روابط هند و اسرائیل از دهه ۱۹۹۰ تاکنون، به سرعت رو به توسعه و تعمیق رفته است. در این میان، بی‌شک مبادلات تسلیحاتی و همکاری‌های استراتژیک-امنیتی نقش اصلی را ایفا کرده است. اسرائیل از مزیت خود در حوزه فن‌آوری‌های نظامی در بسط روابط با هند بهره برده و هند با دریافت این تسلیحات، موقعیت خود در موازنه قوای منطقه‌ای را بهبود بخشیده و با جذب توانمندی‌های فناورانه اسرائیل در حوزه‌های غیرنظامی، بخشی از نیازهای اقتصاد رو به توسعه خود را برآورده نموده است. افزون بر این، تهدید مشترکی به نام تروریسم نیز در بسط همکاری‌های دو طرف در این حوزه‌ها مؤثر بوده است. بنابراین سطح روابط هند و اسرائیل را با توجه به توسعه و تعمیق سریع آن در دهه‌های اخیر، می‌توان همکاری استراتژیک نامید؛ سطحی که گرچه در آن تعاملات امنیتی دو طرف تنگاتنگ است، اما با مرحله ائتلاف، به عنوان عالی‌ترین مرحله روابط دوجانبه فاصله آشکاری دارد.

۴. تعاملات نظامی رژیم صهیونیستی و چین

همان‌گونه که اشاره شد، اسرائیل هم به عنوان یک واردکننده سلاح و هم به عنوان یک عرضه‌کننده مهم سلاح تلقی می‌شود. صنعت تسلیحاتی اسرائیل، ۷۵ درصد از تولیدات خود را صادر می‌کند و در پی توسعه صادرات این صنعت نیز هست. ناگفته پیداست که چین از مهم‌ترین بازارهای صادرات تسلیحات برای این رژیم به‌شمار می‌آید. در واقع اسرائیل، تنها رژیم منطقه خاورمیانه است که مبادلات تسلیحاتی آن با چین، متفاوت از سایرین است؛ بدان معنا که برخی تسلیحات مورد

نیاز آن، به ویژه در حوزه سلاح‌های با فناوری پیشرفته را تأمین می‌کند. نکته دیگر آنکه محدودیت‌های چین در تأمین سلاح‌های پیشرفته مورد نیاز خود، ارزش گزینه اسرائیل را برای آن دوچندان می‌سازد. چین در دوران پس از «تیان‌آن‌من» در سال ۱۹۸۹، مورد تحریم تسلیحاتی مجموعه غرب قرار گرفته است. این تحریم، گزینه‌های آن کشور برای تأمین تسلیحات مورد نیاز را به روسیه و اسرائیل کاهش داده است. گرچه بر مبنای آمارهای سال ۲۰۱۳، روسیه ۶۴ درصد تسلیحات مورد نیاز چین را تأمین می‌کند، اما اهمیت سلاح‌های اسرائیلی در این است که بخشی از نیاز چین که به واسطه روسیه قابل تأمین نیست را پوشش می‌دهد. (Wezeman, 2014) برخی، انگیزه اصلی اسرائیل از انتقال فناوری‌های نظامی به چین را انگیزه اقتصادی می‌دانند. برخی دیگر، معتقدند اسرائیل با این اقدام تلاش دارد بر سیاست خاورمیانه‌ای چین و به‌ویژه مبادلات تسلیحاتی این کشور با دیگر کشورها در این منطقه تأثیر بگذارد. این موضوع، به ویژه در مورد ایران که از خریداران اصلی تسلیحات چینی در خاورمیانه به شمار می‌آید، مصداق دارد. (Alterman, 2006)

همان‌گونه که در ابتدای پژوهش اشاره شد، اسرائیل که از ابزارهای تأثیرگذار سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی چندانی برخوردار نیست، به‌طور سنتی، همواره تلاش کرده تا از موقعیت ویژه خود در فناوری‌های نظامی به عنوان ابزاری کلیدی در پیشبرد منافع خود در پهنه بین‌المللی به کارگیرد. روابط چین و اسرائیل نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. شاهد این مدعا، آنکه تجارت تسلیحات میان چین و اسرائیل در دهه ۱۹۸۰، نقش مهمی در برقراری روابط رسمی میان دو طرف در ابتدای دهه ۱۹۹۰ ایفا کرد، اما تجارت چین و اسرائیل، به همان میزان که در روابط دوجانبه اهمیت دارد، معضلات و موانع مهمی نیز در راه آن ایجاد می‌کند. (Kumaraswamy, 2005: 37-43) مبادلات تسلیحاتی چین و اسرائیل، همواره مناقشه برانگیز بوده است. زیرا ایالات متحده به عنوان مهم‌ترین حامی اسرائیل به شدت با آن مخالفت ورزیده است.

در وضعیت کنونی، الگوی حاکم بر روابط چین و ایالات متحده و احتمالاً تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی، همکاری در عین رقابت استراتژیک است. در قالب این الگو، افزون‌بر همکاری، چین و ایالات متحده در حوزه‌های مختلفی در رقابت

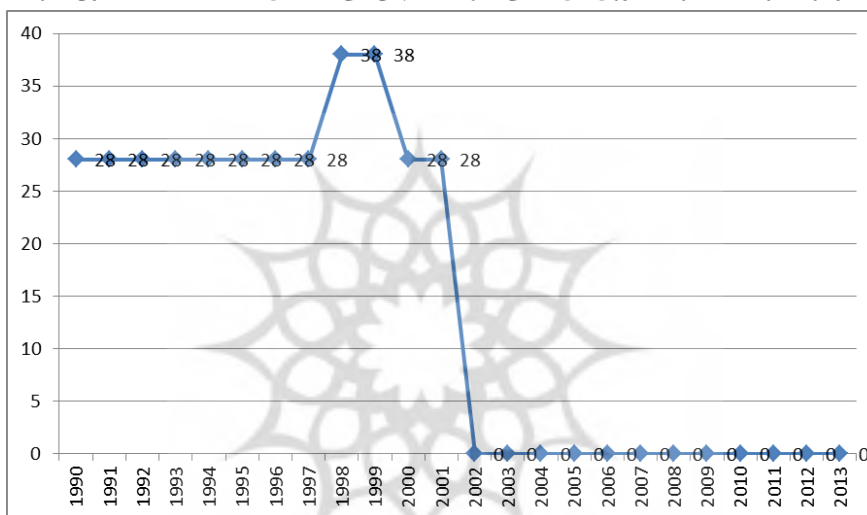
استراتژیک قراردادارند. نوسازی توان نظامی چین و مسئله تایوان، از جنبه‌های اصلی رقابت استراتژیک دو کشور به‌شمار می‌آیند. از همین‌رو مبادلات تسلیحاتی اسرائیل و چین در سالیان اخیر، مورد حساسیت ایالات متحده قرار داشته است. (Pollpeter, 2006) شاهد این مدعا، آنکه در سال ۱۹۹۲ اسرائیل، سیستم ضدموشکی پاتریوت را به چین انتقال داد که با انتقاد جدی ایالات متحده مواجه شد. چند سال بعد، اسرائیل تحت فشار ایالات متحده، قرارداد صدور تکنولوژی نظامی به چین تحت عنوان برنامه تولید هواپیماهای جنگنده موسوم به «لاوی» را لغو نمود. در سال ۲۰۰۰ نیز ایهود باراک، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی، مجدداً تحت فشار ایالات متحده، موافقت‌نامه فروش رادارهای فالکون مجهز به سیستم هشداردهنده به چین را لغو کرد. اسرائیل بابت لغو این قراردادها، ۳۵۰ میلیون دلار غرامت به چین پرداخت کرد. (Boese, 2009)

در دسامبر ۲۰۰۴، اسرائیل و چین، موافقت‌نامه‌ای در زمینه ارتقای سطح کیفی هواپیماهای بدون سرنشین موسوم به «هاری کیلر» با قابلیت انهدام ایستگاه‌های رادار (که در اواسط دهه ۱۹۹۰ از سوی اسرائیل به چین فروخته شد) را امضا نمودند و این هواپیماها برای انجام این تعمیرات به اسرائیل بازگردانده شدند. این توافقنامه نیز، با اعتراض شدید ایالات متحده مواجه شد. ایالات متحده در اعتراض خود تا آنجا پیش رفت که تهدید به حذف اسرائیل از برنامه مشترک ساخت جنگنده اف-۳۵ را مطرح ساخت. اعتراض ایالات متحده، روند اجرایی این موافقت‌نامه را متوقف کرد و این هواپیماها بدون ارتقای کیفی به چین بازگردانده شد. به علاوه ایالات متحده به مدت یک سال همکاری اسرائیل با برنامه فوق را به تعلیق درآورد.

افزون بر این، پس از این اعتراضات، ایالات متحده اسرائیل را وادار کرد تا هر نوع انتقال تسلیحات به چین را با موافقت و تأیید امریکا صورت دهد. این امر، بر سیر تجارت استراتژیک چین و اسرائیل تأثیرات محدودکننده قابل توجهی برجای گذارد؛ به گونه‌ای که از سال ۲۰۰۵ تاکنون، معامله تسلیحاتی مهمی میان دو طرف صورت نگرفته است. از همین روست که در گزارش سالانه‌ای که وزارت دفاع امریکا در سال ۲۰۰۹ در مورد قدرت نظامی چین منتشر کرده است، اقدامات

محدودکننده ایالات متحده بر انتقال تسلیحات اسرائیلی به چین، مؤثر ارزیابی شده است. در این گزارش آمده است: «اسرائیل در گذشته سلاح های پیشرفته را به چین عرضه می کرد اما اخیراً، کنترل صادرات تسلیحات خود را اصلاح کرده است. (Department of State, 2009) جدول زیر که بر مبنای آمارهای موسسه مطالعات صلح بین المللی استکهلم ترسیم شده است نیز کاهش شدید انتقال فناوری های نظامی رژیم صهیونیستی به چین را نشان می دهد.

نمودار شماره ۷- صادرات فناوری های نظامی اسرائیل به چین طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ (میلیون دلار)



منبع: SIPRI Arms Transfer Database

جدول شماره ۶- انواع فناوری های نظامی انتقال یافته به چین از سوی اسرائیل ۱۳-۲۰۱۹

نوع سلاح	سال سفارش/لیسانس	تعداد سفارش	سال تحویل	تعداد تحویل داده شده/تولید شده
موشک پیتون ^۱ -۳	۱۹۹۰	۳۰۰۰	۱۹۹۰-۲۰۰۱	۳۰۰۰
جنگنده هارپی ^۲	۱۹۹۸	۵۰	۱۹۹۸-۱۹۹۹	۵۰

منبع: SIPRI Arms Transfer Database

افزون بر این و پس از نقش آفرینی ایالات متحده در تجارت استراتژیک دو طرف، چینی ها قراردادهای منعقد خود با اسرائیل در این حوزه را ناتمام و دارای اعتباری

1. Python-3
2. Harpy

اندک می‌دانند. (Shai, 2009) بنابراین می‌توان گفت که ایالات متحده به عنوان مهم‌ترین بازیگر ثالث، تجارت استراتژیک، به عنوان مهم‌ترین عامل شکل دهنده به روابط چین و اسرائیل را به چالش کشیده و آن را تا حد قابل توجهی محدود کرده است. با تأثیرگذاری محدودکننده ایالات متحده، به نظر می‌رسد که بسط روابط چین و اسرائیل با دشواری‌هایی بیش از گذشته مواجه شده است. شاید از همین روست که اسرائیل با بسط مناسبات در حوزه‌های غیرنظامی این نقیصه را جبران نماید. (Opall, 2014)

نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه آمد می‌توان مدعی شد که درجه موفقیت رژیم صهیونیستی در بهره‌گیری از فن‌آوری نظامی به‌عنوان ابزار پیشبرد سیاست خارجی در قبال مهم‌ترین قدرت‌های در حال ظهور، با چهارچوب‌های سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در رابطه با انتشار فن‌آوری‌های پیشرفته نظامی غرب به دیگر نقاط جهان منطبق است. همان‌گونه که گفته شد، کلیدی‌ترین هدف دیپلماسی نظامی اسرائیل در قبال قدرت‌های در حال ظهور در شرایط کنونی، تأثیرگذاری بر رفتار استراتژیک آنان است. اسرائیل در این مسیر امیدوار است تا در بهترین وضعیت، این کشورها را به اتخاذ سیاست‌های حمایت‌گرایانه در قبال خود وادارد یا حداقل آنان را در قبال بحران فلسطین و رقابت‌های استراتژیک این رژیم در منطقه، بی‌طرف سازد. اما این اثرگذاری مطلق و اراده‌گرایانه نیست و خود تحت‌تأثیر عوامل متعددی می‌تواند باشد که از آن جمله عدم تناقض با سیاست‌های ایالات متحده امریکا به عنوان صاحب اولیه فن‌آوری تسلیحاتی اسرائیل و شریک تحقیق و توسعه نظامی این رژیم است.

از این جهت، موفقیت اسرائیل در بهره‌گیری از ابزار فن‌آوری نظامی برای نیل به هدف فوق‌الذکر را می‌توان به صورت طیف‌گونه بررسی کرد، بدان معنا که در یک سوی طیف قدرت در حال ظهوری مانند هند قرار می‌گیرد که به عنوان یکی از پایه‌های مبارزه با تروریسم بین‌المللی در منطقه آسیای جنوبی شریک امریکا است و اسرائیل توانسته به مرزهای ائتلاف با آن نزدیک شود و این رژیم را به مهم‌ترین

مشتری تسلیحات و فن آوری های نظامی خود مبدل نماید و در مناقشات خاورمیانه و به ویژه بحران فلسطین آن را بی طرف سازد. در مورد چین و روسیه، اسرائیل موفقیت کمتری داشته است و در میانه این طیف قرار می گیرند. اسرائیل در پیشبرد تعاملات فناورانه با روسیه تا حدودی موفق شده است و توانسته بر رفتار این رژیم در خاورمیانه تأثیر بگذارد. البته این موفقیت محدود بوده و از همین روست که روابط دو طرف تا حدی شکننده است و روس ها همواره بهره گیری از اهرم جریان های فلسطینی را مدنظر دارند. از دیگر سو اسرائیل نیز گرجستان و اوکراین را به عنوان اهرم های فشار بر روسیه مورد توجه قرار داده است. در تعامل نظامی با چین نیز گرچه اسرائیل به موفقیت هایی دست یافته است، اما سیاست امریکا از یک سو و مناسبات گسترده چین با ایران، سوریه و سایر کشورهای عربی از دیگر سو باعث شده تا روابط، مسیر پریپیچ و خم و دشواری را طی کند و آینده آن هم مبهم باشد. بنابراین می توان پیش بینی نمود که تا آینده ای میان مدت، هند به عنوان مهم ترین شریک نظامی-امنیتی رژیم صهیونیستی در میان قدرت های در حال ظهور باقی بماند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

۱. این مقاله نتیجه پژوهشی است که با استفاده از حمایت مالی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری (معاونت برنامه و نظارت راهبردی) اجرا شده است. نویسندگان از مساعدت‌های این نهاد سپاسگزاری می‌کنند.
۲. Oboron Prom یکی از شرکت‌های فعال روسی در زمینه تولید هلیکوپتر، موتور هلیکوپتر، سیستم‌های دفاع هوایی و سیستم‌های الکترونیک است.



منابع

- Alexe, A. 2012. **Israel is Losing \$1 Billion in Deals with Russia Due to US Pressure, and Further Losses Will Occur due to the Crisis in Ukraine.** Moscow: liveleake.
- Alterman, J. 2006. **The Vital Triangle :China,the United States and The Middle East.** Washington D.C.: Centernfor Strategic and International Studies.
- Andrea Teresa, C. R. 2011. **Diplomacy through Weaponry.** Trekroner: Roskilde University.
- Bellamy, J. F. 2008. The U.S. Imperial Triangle and Military Spending. **Monthly Review**, No. 247.
- Bichler, J. N. 2002. **The Global Political Economy of Israel.** London: Pluto Press.
- Bindiya, T. 2014. **Facing Arms Embargo, Israel Cancels Arms Deal with Russia.** Washington D.C.: Defense World.
- Blechman, B. 2009. **Pakistan and Israel.** Washington D.C: Stimson Center.
- Boese, W. 2009. **Israeli Arms Exports to China of Growing Concern to U.S.** Washington D.C.: Arms Control.
- Chari, P. 2010. **India and Israel to Strengthen Defence Relations.** New Delhi: Institute of Peace and Conflict Studies.
- Cook, J. 2013. **Israel's Booming Secretive Arms Trade.** Doha: Aljazeera.
- Datta, S. 2013. **Israel Helped India in 1971 War, Reveals Book.** New Delhi: Hindustan Times.
- Dehaan, U. & Glony, B. 2011. The Land of Honey, Milk and Ideas. In J. S. Butler, **Global Perspectives on Technology Transfer and Commercialization: Building innovation Ecosystem.** London: Edward Elgar.
- Departement of State. 2009. **Annual Report to Congress: Military Power of**



- the People's Republic of China.** Washington D.C. : U.S. department of state.
- Gee, J. 2007. Has Israel's U.S.-Funded Lavi Jet Been Reborn as China's J-10 Warplane? **Washington Report on Middle East Affairs.**
- Ginat, R. 2004. India and the Palestine Question: The Emergence of the Asia-Arab Bloc and India's Quest for Hegemony in the Post-Colonial Third World. **Middle Eastern Studies**, 191-196.
- Haaretz.** 2010. Israel Signs \$400 Million Deal with Russia.
- Kumaraswamy, P. 2005. Israel-China Relations and the Phalcon Controversy. **Middle East Policy.**
- Opall, B. 2014. **China Expands Strategic Presence in Israel.** Tel Aviv: National Security Research Center.
- Pant, H. 2004. India-Israel Partnership: Convergence and Constraints. **Middle East Review of International Affairs**, 63-67.
- Pollpeter, K. 2006. **U.S.-China Security Management: Assessing the Military-to-Military Relationship.** New York: Rand Corporation.
- Ramana, S. 2008. **Where Phalcons Dare: India Israel Relations.** New Delhi: IPCS.
- Razoux, P. 2008. **The Keys to Understanding the Israel-Russia Relationship.** Rome: Research Division - NATO Defense College.
- Shai, A. 2009. **Sino-Israeli Relations: Current Reality and Future Prospects.** Tel Aviv: Institute for National Security Studie.
- Shapir, Y. 2009. **Israel's Arms Sales to India.** New Delhi: Strategic Assessment.
- Singh, A. 2014. **India-Israel Defense Cooperation.** Tel Avive: BESA Center Perspectives Paper.
- SIPRI. 2015. **TIV of arms exports from Israel, 2001-2014.** Stockholm: Stockholm International Peace Research Institute.
- Sofer, M. 2006. **Israel Helped India Turn around Kargil War?** New Delhi: Rediff India Abroad.
- Sosinsky, Y. 2012. **WikiLeaks: Israel Sets Up Georgia.** Moscow: Pravda.
- Strategy Page. 2009. Air Defense: India Buys Israeli Aerostat Radar. Washington D.C.
- Teresa, A., & Ruiz, C. 2011. **Diplomacy through Weaponry, International Social Science Basic Studies.** London: International Social Science Basic Studies.

- Weseman, P. 2014. **Recent Trends in Arms Trade**. Stockholm: Stockholm Institute For International Peace.
- Wezeman, S. 2014. **Trends in International Arms Transfer**. Stockholm: SIPRI Fact Sheet.

